

## مهم ترین سوالات فلسفه (۱) / چاپ ۹۸ / تنظیم: نبوی

### درس نهم: چیستی انسان (۱)

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

۱. نظر دقیق و روشن درباره انسان اولین بار توسط کدام فیلسوف در دوره یونان باستان ابراز شد؟ اولین بار از جانب افلاطون ابراز شد و از آنجا که مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه‌های سقراط نیز هست، می‌توان گفت که دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کننده دیدگاه استاد وی، سقراط نیز هست.
۲. مجموعه آثار کدام فیلسوف یونان باستان، منعکس کننده اندیشه‌های سقراط هست؟ افلاطون
۳. نظر افلاطون درباره حقیقت انسان چیست؟ افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت‌های بدن را ندارد. این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست. او می‌گوید: «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است» او همچنین می‌گوید: «نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیر فانی و جاوید است».
۴. به عقیده افلاطون با ارزش ترین دارایی انسان چیست؟ و چرا باید مراقبت از آن وظیفه هر انسانی باشد؟ از نظر افلاطون، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.
۵. از نظر افلاطون حقیقت برتر انسان کدام است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ نفس. ۱- محدودیت‌های بدن را ندارد ۲- قابل رؤیت نیست (نامرئی است) ۳- تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است ۴- انسان را از حیوانات متمایز می‌کند ۵- غیر فانی و جاوید است.
۶. ارسطو شاگرد چه کسی بود و درباره نفس، کدام نظر استادش را پذیرفت؟ افلاطون/ ارسطو نظر استاد خود را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
۷. از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، چه حالتی دارد؟ چگونه کامل می‌شود؟ حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می‌کند و به «فعلیت» می‌رسد و کامل و کامل تر می‌شود.
۸. به نظر ارسطو انسان با کدام قوه استدلال می‌کند و مقصود از ناطق بودن انسان چیست؟ «ناطق» بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند.
۹. معنی این عبارت ارسطو که «انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند»، چیست؟ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می‌گیرد و استدلال را سامان می‌دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می‌کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌نماید.
۱۰. در دوره جدید اروپا، از جهت انسان شناسی دو تلقی و جریان پیدا شد، در این باره توضیح دهید. یک جریان، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود نفس یا روح اند و برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می‌دانند. جریان دیگر، به این سو تمایل دارند که یا اصولاً وجود نفس را انکار کنند و انسان را یک موجود مادی بدانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار آورند.
۱۱. دکارت در مورد بدن چه نظری دارد؟ منظور از «من» در فلسفه دکارت چیست؟ چه ویژگی دارد؟ دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به طور خودکار فعالیت می‌کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی‌دهد. از نظر وی «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند.
۱۲. به نظر دکارت چه ارتباطی بین روح و بدن وجود دارد؟ (دوگانگی روح و بدن را توضیح دهید). روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.
۱۳. کانت، فیلسوف قرن هجدهم، با چه استدلالی به اثبات حقیقت نفسانی انسان پرداخت؟ کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او گفت که انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.
۱۴. فیلسوفان عقل گرایی مانند دکارت و کانت درباره حقیقت انسان چه نظری دارند؟ آنها معتقدند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.
۱۵. نام دو فیلسوف دوره جدید اروپا که معتقد به وجود نفس بودند را ذکر کنید. دکارت و کانت

۱۶. به کدام فیلسوفان ماتریالیست گفته می شود؟ دیدگاه آنها در مورد انسان چیست؟ ماتریالیست ها دسته ای از فیلسوفان هستند که می گویند همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بعد و یک ساخت دارند که همان بعد مادی و جسمانی است. آنان می گویند ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.
۱۷. توماس هابز که بود و چه دیدگاهی درباره ذهن بشر داشت؟ یکی از ماتریالیست های اولیه بود که در قرن هفدهم در انگلستان می زیست. او ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.
۱۸. مارکس که بود و چه دیدگاهی درباره ذهن بشر داشت؟ مارکس، فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم بود. او انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.
۱۹. نام دو فیلسوف ماتریالیست دوره جدید اروپا را ذکر کنید. توماس هابز و مارکس
۲۰. به کدام فیلسوفان داروینیست گفته می شود؟ دیدگاه داروینیست ها در مورد انسان چیست؟ داروینیست ها که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
۲۱. به عقیده داروینیست ها تفاوت انسان و حیوان در چیست؟ به نظر آنها انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است. (انسان با سایر حیوانات تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد)
۲۲. چرا به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها نمی توان برای انسان ارزش قائل شد؟ از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
۲۳. به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی چیست؟ به اعتقاد آنها اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می کند، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.
۲۴. کدام فیلسوفان معتقد به تک ساحتی بودن انسان هستند؟ ماتریالیست ها و داروینیست ها

## سوالات جای خالی

- مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های \_\_\_\_\_ نیز هست.
- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که این حقیقت برتر همان \_\_\_\_\_ است که قابل \_\_\_\_\_ نیست.
- از نظر افلاطون، \_\_\_\_\_ با ارزش ترین دارایی انسان است
- به عقیده افلاطون توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس \_\_\_\_\_ شود و به \_\_\_\_\_ آراسته گردد.
- به نظر افلاطون تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، \_\_\_\_\_ است که چیزی \_\_\_\_\_ است.
- در دیدگاه افلاطون نفس جزء \_\_\_\_\_ انسان است که او را از \_\_\_\_\_ متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است.
- ارسطو نظر استاد خود \_\_\_\_\_ را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به \_\_\_\_\_ است، نه بدن.
- به نظر ارسطو بدن بدون نفس، یک موجود \_\_\_\_\_ است.
- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت \_\_\_\_\_ دارد.
- منظور از «ناطق» بودن انسان صرفاً \_\_\_\_\_ او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه \_\_\_\_\_ است.
- افلاطون و ارسطو، برای انسان دو بعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ وی می دانند.
- دکارت بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور \_\_\_\_\_ فعالیت می کند.

۱۳. از نظر دکارت «من» همان «.....» یا «.....» است که مرکز اندیشه های ماست.

۱۴. به عقیده دکارت ..... از قوانین فیزیکی آزاد است ولی ..... مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۱۵. کانت گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود ..... و ..... معنا ندارد.

۱۶. به عقیده کانت اختیار ویژگی ..... است، نه ..... که یک امر مادی است.

۱۷. فیلسوفان عقل گرایی مانند دکارت و کانت، اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که ..... و ..... مربوط به آن است.

۱۸. ماتریالیست ها دسته ای از فیلسوفان هستند که می گویند همه موجودات و از جمله انسان فقط یک ..... و یک ..... دارند.

۱۹. به عقیده ماتریالیست ها همه موجودات و از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد ..... و ..... است.

۲۰. ماتریالیست ها می گویند ذهن و روان هم چیزی جز ..... و سلسله ..... انسان نیست.

۲۱. از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین ..... بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

۲۲. یکی از ماتریالیست های اولیه ..... است که در قرن هفدهم در ..... می زیست.

۲۳. هابز ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک ..... مثل موتور اتومبیل، کار می کند.

۲۴. مارکس، فیلسوف ..... قرن نوزدهم انسان را فقط یک موجود ..... می دانست

۲۵. مارکس معتقد بود که نیازهای اصلی انسان را نیازهای ..... تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به

خاطر نیازهای ..... پیدا شده اند.

۲۶. داروینیست ها عقایدی نزدیک به ..... دارند.

۲۷. داروینیست ها از نظریه ..... درباره پیدایش حیات و تحوّل تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج ..... گرفتند.

۲۸. داروینیست ها گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان ..... با این تفاوت که از سایر حیوانات ..... است.

۲۹. از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ..... قائل شد.

۳۰. از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، اگر انسان به اخلاق توجه می کند، به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی ..... و ..... شده اند.

۳۱. به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی، انسان را وادار به ابداع ..... و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند .